



دکتر منوچهر خزانی

مجازات اعدام
بر اساس کنفرانس بین المللی
سیراکیز (ایتالیا)

● مقدمه *

اعدام شدیدترین مجازاتی است که در قوانین جزایی پیش‌بینی شده است و به طور معمول نسبت به مجرمانی اعمال می‌شود که مهمترین جرایم را مرتکب شده و برای جامعه خطرناک‌اند و به یقین قابل اصلاح نخواهند بود. اعدام مجازاتی است از درجه جنایی و در ماهیت رنج‌آور و رسواکننده یا به اصطلاح «ترهیبی و ترزیلی» که هدف از آن بویژه طرد ابدی مجرم از جامعه است و در نتیجه با پایان دادن به حیات جنایتکار جامعه را از خطر بالقوه سایر بزه‌کاران مصون می‌سازد.

مجازات اعدام در طول تاریخ از جهات مختلف به موازات سایر مسائل حقوق کیفری بسیار متحول شده است، چنانکه اغلب در قوانین قدیم، جرایم بسیاری مشمول این مجازات می‌گردید و کیفیت اجرای آن

* مجازات اعدام، موضوع مورد بررسی در کنفرانس بین‌المللی متشکل در مؤسسه عالی بین‌المللی علوم جنایی سیراکیز - ایتالیا، ۱۷ تا ۲۲ مه ۱۹۸۸.

برحسب مورد— نوع جرم و شرایط آن و گاه طبقه اجتماعی محکوم علیه— تفاوت داشت و شکنجه نیز یک رکن اصلی و لازم الاجراء قبل از اجرای آن بود؛ اما به تدریج، قلمرو قانونی اعمال این مجازات به جرایمی از قبیل قتل‌های عمدی و یا اقدام علیه امنیت کشور و بعضی جرایم بسیار مهم دیگر محدود شد و با حذف شکنجه محکوم علیه نحوه اجرای آن در انواع جرایم یکسان گردید و حتی الامکان به شکل ساده و ملایم خاتمه دادن به حیات تبه‌کار درآمد.

این سیر تحول در نتیجه پیشرفتهای فرهنگی و علمی جوامع و با استعانت از کوششهای دانشمندان و مؤلفان طی اعصار مختلف تحقق یافته است. بنابراین اعدام از جمله مسائلی است که از دیرباز مورد بحث فلاسفه و دانشمندان و بخصوص کیفرشناسان بوده و در دنیای معاصر نیز به دلیل احترام به حیات انسانها و فلسفه و تمایلات انساندوستی، دامنه بحث آن ابعاد گسترده‌تری یافته است.

ظهور جنبشهای فلسفی و انتشار افکار نوین و آثار علمی قرن هجدهم را شاید بتوان آغاز مقابله عقاید بین دو جبهه موافق و مخالف مجازات اعدام دانست. هرچند برخی از فلاسفه و دانشمندان قرن هجدهم وجود کیفر اعدام را نفی نکردند اما، ضمن انتقاد از اعمال مجازاتهای خشن و شکنجه‌ها، به محدودیت آن نظر داده‌اند. منتسکویا این مجازات را برای جامعه لازم می‌داند، اما با شقاوت و بیرحمی نسبت به محکوم علیه و نیز اعمال آن در مورد بعضی از جرایم نه چندان با اهمیت، ابراز تأسف نموده است.

ژان ژاک روسو مجازات اعدام را در «قرارداد اجتماعی» خود توجیه می‌کند. به نظر او افراد جامعه حسب قرارداد اجتماعی، اختیار جان خود را به دولت که نماینده اقتدار جامعه است واگذار نموده‌اند و دولت نیز به طور متقابل موظف به تضمین و حفظ جان آنان در قبال خطرهای ناشی از دیگران شده است. «برای اینکه قربانی جنایتکار واقع نشوند، رضایت داده‌اند در صورتی که خود دست به جنایت بزنند، کشته شوند... هر

کثرت رفتاری که به حقوق اجتماعی تجاوز کند، حسب جنایات ارتكابی، یاغی و خائن به مملکت محسوب می شود و باید اعدام گردد».^۱ روسوبرغم این نظر، مجازات اعدام را آخرین راه حل در مورد بزهکاران می داند و معتقد است که اگر بتوان جامعه را از گزند این قبیل افراد دور نگه داشت، بهتر است حتی الامکان از اعمال مجازات اعدام خودداری شود.

حذف کامل مجازات اعدام، نظریه و پیشنهاد بکار یا نخستین بانی حقوق جزا در قرن هجدهم بود که با انتشار کتاب «بررسی جرایم و مجازاتها» در ۱۷۶۴ فصلی از آن را به بحث درباره این مجازات و لزوم حذف آن اختصاص داد. به عقیده بکار یا «مجازات اعدام باید لغو شود، زیرا تأثیر مجازات حبس ابد از لحاظ جلوگیری از ارتكاب جرم به مراتب بیشتر از مجازات اعدام است. بعلاوه این مجازات قابل جبران نیست و در صورتی که اشتباهی در محاکمه روی داده باشد و تعدیلی در مجازات لازم آید، با اجرای مجازات اعدام این امر غیرممکن می گردد».^۲

بکار یا توجیه ژان ژاک روسورا در مورد اینکه افراد جامعه، حسب قرارداد اجتماعی، حق حیات خود را به قوه حاکمه تفویض نموده اند رد می کند و با مجازات اعدام در شرایط عادی بکلی مخالف است ولی به هنگام بحرانهایی سیاسی آن را مشروع می داند. پس از انتشار نظریه بکار یا، طرفداران و مخالفان مجازات اعدام مقابل هم قرار گرفتند، بطوریکه افکار و عقاید ابراز شده قرن هجدهم در این زمینه را می توان به دو بخش متمایز تقسیم نمود: بعضی بدون اینکه اصل مشروعیت مجازات مرگ را محکوم کنند تنها به محدودیت آن در مورد بعضی جرایم نظر داشتند؛ برخی دیگر از اساس با این مجازات مخالف بودند و به لغو کامل و بدون قید و شرط آن در قانون اعتقاد داشتند. به هر تقدیر، نتیجه هر دو نظر تغییراتی بود که نسبت به این مجازات در قوانین جزایی، اعم از حذف کامل یا محدودیت اعمال آن در جرایم،

۱. Jean Imbert: La peine de mort, Presses Universitaires de France, 1972, p. 114.

۲. دکتر پرویز صانعی: حقوق جزای عمومی، ج ۱، انتشارات دانشگاه ملی، ایران، ۱۳۵۱،

ایجاد شد و نیز کاهش فوق العاده‌ای بود که در اجرای حکم اعدام به علت استفاده رئیس مملکت از حق عفو خاص مقرر در قانون به وجود آمد.

نظریه بکار یا و سپس عقاید متفکرانی چون ولتر و ویکتور هوگو در مورد حذف مجازات اعدام به دلیل مقاومت و ایستادگی کیفرشناسان طرفدار این مجازات از یک سو و وجود افکار عمومی که عمده با عقیده مخالفان مجازات اعدام هماهنگی نداشت از سوی دیگر، موجب شد که تا قبل از قرن بیستم آنچنان نفوذ و موقعیتی در جهان پیدا نکرد.^۳

نظریه بکار یا در مورد لغو مجازات اعدام نخستین بار در حقوق جزای ایتالیا اثر کرد و این مجازات در سال ۱۷۸۶ تا مدتی در این کشور لغو شد. معهذا لغو مجازات اعدام در این کشور و یا سایر کشورهایی که از این نظر پیروی کردند ثباتی نداشت و برحسب زمان و تحت تأثیر مکاتب حقوق جزا و یا نفوذ موافقان این مجازات و بالاخص در برخی جوامع به دلیل فشار افکار عمومی و یا به علت افزایش جرایم بعد از لغو مجازات اعدام، برقراری مجدد آن مشاهده شده است.

در غالب کشورها، قضات و حقوقدانان چندان نظر موافقی با لغو مجازات اعدام در قانون نداشتند. در اوایل قرن نوزدهم جنبش دیگری علیه مجازات مرگ با گزارشی از لیوینگستون^۴ در ایالات متحده آمریکا و آثار گیزوه از جمله «مجازات اعدام در جرایم سیاسی» در سال ۱۸۲۲ پدید آمد و دانشمندان و جرم‌شناسان با هیجان بیشتری به مسأله مجازات اعدام پرداختند. از آن زمان تا به امروز مجازات اعدام بیش از پیش تحت تأثیر آثار و نوشته‌ها و عقاید دانشمندان زمان به عنوان یکی از مسائل مهم حقوق

۳. در مورد نظریه بکار یا، غالب جرم‌شناسان، مخالف این قبیل نوآوریهای خطرناک بودند، چنانکه Muiar de Vouglans در فرانسه بکار یا را به عنوان یک دیوانه تلقی می‌کرد. این جرم‌شناس که تنها راه پیشگیری از جرایم را شدت مجازات تصور می‌نمود، در سال ۱۷۶۶ با انتشار نشریه‌ای در رد عقاید بکار یا نظر داده است (ژان ایمبرت: مجازات اعدام، ص ۱۵۴).

4. Livingston

5. Guizot

کیفری مورد بحث و تبادل افکار قرار گرفته است که از جمله تمامی بحث کنفرانس بین المللی ماه مه ۱۹۸۸ که با شرکت بیش از یکصد تن از متخصصان و دانشمندان علوم کیفری جهان در شهر سیرا کیز ایتالیا تشکیل گردید به این موضوع اختصاص داشته است.



مهمترین دلایل مخالفان و موافقان مجازات اعدام

شرح افکار و عقاید دانشمندان و نیز متخصصان در امر کیفری نسبت به مجازات اعدام در هر زمان بستگی به گرایش آنان به سیستم کلی سیاست کیفری دارد، چنانکه در قرن نوزدهم مکتب تحقیقی معتقد به طرد همیشگی مجرمان بالفطره از جامعه وسیله اجرای مجازات اعدام بود، در حالی که بعدها طرفداران مکتب دفاع اجتماعی جدید ضمن مخالفت با پاره ای از نظریات مکتب تحقیقی، این مورد را نیز مردود دانسته اند. مکتب دفاع اجتماعی هدفش بیشتر تضمین جلوگیری از جرایم با اقدام در زمینه جایگزینی مجدد محکوم علیه در جامعه، از طریق اصلاح و تربیت است. به این ملاحظه، مکتب مذکور بدون قید و شرط مخالف مجازات اعدام است و می گوید تا زمانی که این مجازات وجود دارد می کوشد قواعد مربوط به اصول محاکمات آن تضمین و رعایت شود؛ زیرا در غیر این صورت، هیچ دولتی نمی تواند ادعا کند که متعلق و وابسته به دنیای متمدن است.^۶

۶. گزارش S. Roses رئیس انجمن بین المللی دفاع اجتماعی و ریاست کل دیوان عالی کشور فرانسه به کنفرانس بین المللی سیرا کیز ایتالیا در مجله بین المللی حقوق جزا، سه ماهه سوم و چهارم سال ۱۹۸۷، انتشارات ارس، ص ۳۴۴.

به هر حال، اهم دلایل مخالفان و موافقان که در طول تاریخ بیان و تکرار شده است به قرار زیر خلاصه می‌گردد:

الف. مشروعیت مجازات اعدام از لحاظ فلسفی

در این خصوص گفته‌اند: جامعه‌ای که ارتکاب جنایت و صدمه به جان افراد را منع می‌کند، حق ندارد برای حفظ و صیانت خود جان فرد دیگری را بگیرد. طرفداران مجازات اعدام این دلیل را از لحاظ فلسفی بی اعتبار می‌دانند؛ زیرا چنین دلیلی شامل سایر مجازات‌ها نیز می‌شود و پاسخ آن به طور کلی مبنای اجتماعی حق تنبیه را مطرح می‌کند. حق تنبیه برای حفظ اجتماع و اجرای عدالت ضروری است. سن توماس استاد الهیات معتقد است:

«اگر جامعه برای زندگی نوع بشر ضرورت داشته باشد باید از تمام حقوق لازمه برای حفظ و صیانت آن از گزند اشخاص برخوردار باشد. استدلال مخالفین مجازات اعدام صحیح به نظر نمی‌آید و نتیجه آن لغو تمام مجازات‌های سالب آزادی است؛ زیرا جامعه به انسان آزادی عطا نکرده بلکه ذاتاً و فطرتاً انسان آزاد خلق شده است. البته انسان حق حیات و تمتع از آزادی که یک نعمت خدادادی است دارد، ولی این دو حق محدود است به حق حیات سایرین و رعایت آزادی آنان و چنانچه از حد خود تجاوز نماید از او سلب می‌شود و متجاوز باید به کیفر خود برسد.»^۷

مشروعیت مجازات اعدام توسط مکتب عدالت مطلقه امانوئل کانت و ژوزف دومستر نیز در قرن نوزدهم به هدف تقاص و پاداش عمل توجیه و تأیید شده است. بنیانگذاران این مکتب معتقد بودند که نظریه سودمندی مجازات توسط اعمال مجازات‌های شدید که باعث ارعاب در امر بزهکاری

۷. دکتر عبدالحسین علی آبادی: حقوق جنایی، ۱۳۵۲، ج ۲/ص ۱۹.

گردد— و بنتام از طرفداران آن به شمار می‌رود— مردود است. هدف از مجازات، در واقع، تنبیه اخلاقی و مکافات عمل خطایی است که بزه‌کار نسبت به جامعه مرتکب شده و باید کیفر عمل خود را ببیند، هر چند که اجرای مجازات نسبت به تبه‌کار فایده‌ای نداشته باشد. کانت مثال معروفی در این باره بیان کرده که به «جزیره متروک» معروف شده است. او می‌گوید:

«اگر یک جامعه مدنی با موافقت کلیه اعضای خود تصمیم به انحلال آن جامعه بگیرد، مثلاً مردمی که در یک جزیره سکونت دارند موافقت نمایند که از یکدیگر جدا شده و در سراسر جهان پخش شوند، باز باید آخرین قاتلی را که در زندان نگهداری می‌شود قبل از اجرای تصمیم اعدام کرد.»^۸

ب. عادلانه نبودن مجازات اعدام

مخالفان این کیفر معتقدند که چون مجازات اعدام را نمی‌توان به طور دقیق با جرم ارتكابی متناسب کرد لذا این مجازات غیرعادلانه است. به این ایراد چنین پاسخ داده شده است که هر اندازه جنایت وخیم باشد مرتکب از نظر اجتماعی خطرناک‌تر و غیرقابل اصلاح‌تر است؛ لذا مجازات مرگ به این کیفیت می‌تواند متناسب با این وخامت و خطر تلقی شود. وانگهی این ایراد در مورد مجازاتهای سالب آزادی نیز صادق است. اساساً ایجاد تناسب دقیق و کامل بین صدمه ناشی از جرم و مجازات تحمیلی نسبت به مجرم امکان ندارد.

ج. حفظ و حمایت جامعه

مجازات برای حفظ جامعه ضروری است و این حق و تکلیفی

۸. دکتر پرویز صانعی: حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه ملی، ۱۳۵۱، ج ۱/ص ۶۱.

است متعلق و به عهده مسؤولان نظم عمومی که با اعمال کیفری سنگین و شدید نسبت به تبهکارانی که حیات انسانها را در معرض خطر جنایت قرار می دهند جامعه را از خطر سایر بزهکاران حفظ کنند. همان گونه که در مواقع جنگ برای جلوگیری از تجاوزها نسبت به دشمنان بیگانه مجازاتهای سنگین اعمال می شود به طریق اولی، برای حفظ امنیت داخلی، مقامات مسؤول حق اعمال چنین مجازاتی را دارا هستند. مخالفان مجازات اعدام، ضمن تأیید و تأکید لزوم حمایت از نظم اجتماع در مقابل مجرمان، تضمین آن را به وسیله این کیفر منطقی نمی دانند و معتقدند که حسب آمار و تجربیات حاصله مجازات اعدام اثری در پیشگیری ارتکاب جنایات به منظور حفظ و حمایت جامعه ندارد.

د. تأثیر مجازات اعدام در انصراف دیگران از ارتکاب جنایت

براساس نظریه سودمندی مجازات — که بنام از طرفداران جدی آن است — مجازات اعدام با ایجاد وحشت و ترس در افراد دیگر این فایده را خواهد داشت که آنها دست خود را با ارتکاب جرایم، بویژه جنایت، آلوده نسازند؛ همان گونه که مونتین^۹ هم در فرمول عنوان شده خود می گوید: «کسی را که اعدام می کنند اصلاح نمی کنند بلکه افراد دیگر را با اعدام جنایتکار اصلاح می نمایند»^{۱۰}.

اینکه ادعا شده است حبس ابد جانشین اعدام شود باید گفت که حبس ابد امکان دارد در پیشگیری فردی مؤثر باشد ولی در پیشگیری عمومی و عبرت دیگران تأثیری نخواهد داشت؛ بعلاوه از لحاظ روان شناسی اجتماعی رعب و وحشتی که مجازات اعدام در انسان ایجاد می کند مجازات سالب آزادی چنین تأثیری به جا نمی گذارد. سر جنت بالانتین^{۱۱}

9. Montain

۱۰. ژاک لئوته: جرم شناسی و علم زندانها، ص ۷۳۶.

11. Sergent Balantine

وکیل مدافع برجسته امور کیفری، در اواخر قرن نوزدهم، یعنی زمانی که هنوز زندانها به مرحله ای نرسیده بود که اثرندامت انگیز خود را از دست بدهد، عقیده داشت:

«زندان برای مجرمان خطرناک، هر چند طولانی باشد، برای جلوگیری از جرم کافی نیست، چه رسد به اینکه در قبال مجازات بزه قتل باشد که به هیچ وجه جای اعدام را نخواهد گرفت. تردید ندارم که حتی یک مورد هم پیش نخواهد آمد که یک محکوم به مرگ، با شادی تمام، حاضر نباشد مجازات خود را با هر نوع کیفر دیگری که در قانون وجود دارد تعویض کند.»^{۱۲}

به عقیده بعضی از کیفرشناسان، مجازات اعدام به علت ترسی که در روحیه افراد ایجاد می‌کند، تأثیر روانی عمیقی در جامعه دارد که حتی اگر هم اجرا نشود تضمینی برای آرامش افکار عمومی خواهد بود و از این نقطه نظر اهمیت فوق‌العاده‌ای در سیاست کیفری خواهد داشت. کشورهای که مجازات اعدام را در قوانین خود لغو کرده‌اند، حسب تجربیات، به علت افزایش جرایم بزرگ ناگزیر به برقراری مجدد آن بوده‌اند. مجازات اعدام در اتحاد جماهیر شوروی که در سال ۱۹۴۷ لغو شده بود دوباره در سالهای ۱۹۴۹ و ۱۹۵۴ نسبت به بعضی از جرایم برقرار می‌گردد. در کشور رومانی مجازات اعدام در ۱۸۶۴ لغو می‌شود و در ۱۹۳۸ از نو مورد تصویب قانونگذار قرار می‌گیرد. زلاند جدید در ۱۹۴۱ این مجازات را از قوانین خود حذف می‌کند ولی در سال ۱۹۵۰ ناگزیر به برقراری مجدد آن می‌گردد. سرانجام به موجب آمار موجود تعداد زیادی از کشورهای جهان در قوانین خود نسبت به این مجازات بزرگ، اعم از لغو یا برقراری مجدد آن، تجدیدنظر کرده‌اند.^{۱۳}

۱۲. «بحثی درباره مجازات اعدام»، ترجمه دکتر سیدمحسن مصطفوی، مجله حقوقی وزارت دادگستری، شماره ۱۱ و ۱۲، خرداد ۱۳۵۳ نقل از کتاب قانون بدون نظم.

۱۳. برای ملاحظه لغو مجازات اعدام و برقراری مجدد آن در کشورهای جهان رک. بوزا و پنیاتل:

مخالفان مجازات اعدام می‌گویند این مجازات اثری در ارباب و عبرت دیگران یا به اصطلاح پیشگیری عمومی ندارد. اعتبار و ارزش تربیتی و تأثیر واقعی زدودن جرم از جامعه از این طریق چه توسط اعدام و چه سایر مجازات‌ها به صورتی که در فرمول مونتنگاشته شده به طور یقین هرگز به ثبوت نرسیده است. به عقیده پروفیسور لئوته، مونتنگاشته با این فرمول اصل اثربخشی اعدام را بیان می‌کند؛ در حالی که آمارهای به دست آمده و بررسیهای روان‌شناسی این فرمول را به طور مطلق موجه نمی‌کند.^{۱۴}

بسیاری از کشورهایی که مجازات اعدام را لغو کرده‌اند، بویژه کشورهای اسکاندیناوی و اتریش و بعضی از کشورهای امریکای لاتین، نوشته‌اند که هیچ مسلم نیست مجازات اعدام نتیجه تهدید کننده‌ای داشته باشد. حتی بعضی از کشورهایی که مجازات اعدام را هنوز قانونی می‌شناسند در مورد جنبه ترساننده آن تردید دارند. از آن جمله کشورهای اسپانیا، یونان، ترکیه و بخصوص انگلستان و تاحدی ژاپن را می‌توان به عنوان مثال نام برد.^{۱۵}

به عقیده مخالفان مجازات اعدام از روزی که علنی بودن این مجازات در کشورها لغو شده اعتبار ارباب و عبرت جمعی را نیز از دست داده است. به گفته آلبر کامو:

«اگر بخواهند مجازات اعدام باعث عبرت شود، باید ماشین اعدام را در میدان پرجمعیت «کنکورد» بگذارند و تمام مردم را دعوت کنند و تشریفات اعدام را به وسیله تلویزیون برای غایبان نشان بدهند. در غیر

→ بررسی حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۹۷۰، ج ۱/ ص ۴۴۰ و ۴۴۱ و ۴۴۲ و ژاک لئوته: جرم‌شناسی و علم زندانها، ص ۷۳۴ و نیز مارک آنسل: مجازات اعدام (گزارش سازمان ملل متحد)، ترجمه دکتر مصطفی رحیمی، چاپ دوم ۱۳۵۶، انتشارات آگه و دکتر حسینی نژاد: «دادگستری در آلمان غربی»، مجله حقوقی وزارت دادگستری، شماره ۸ و ۹ سال ۱۳۵۴، ص ۵۷.

۱۴. پروفیسور ژاک لئوته: همان مأخذ، ص ۷۳۶.

۱۵. مارک آنسل: همان مأخذ، ص ۱۱۹.

این صورت، بحث از اثر عبرت در اعمال این کیفر را باید متوقف سازند.^{۱۶}

برخی از جرم‌شناسان معتقدند صرف نظر از بی تأثیری این مجازات در ارباب جمعی، از لحاظ فردی هم تأثیری ندارد و نظر حقوق جزا را در تحقق هدف از مجازات تأمین نمی‌کند. آقای ژان پنیاتل می‌گوید:

«هدف نهایی جرم‌شناسی، اصلاح و تربیت و جایگزینی بزهکاران در جامعه است. بنابراین مجازات اعدام با این هدف مغایر است و تا زمانی که مجازات اعدام وجود دارد، امکان نخواهد داشت این اصلاح و تربیت و جایگزینی تحقق یابد.»^{۱۷}

هـ. مجازات اعدام و اشتباهات قضایی

به گفته مخالفان مجازات اعدام، در صدور حکم مجازات، خطای قضایی اجتناب‌ناپذیر است و اشتباه امکان دارد به علت شهادت غیرواقع شهود یا مستندات متقلبانه و ساختگی و یا نادرستی نظریه کارشناس و از این قبیل باشد. در صورت اعمال مجازات اعدام و سپس کشف این اشتباهات، بدون تردید، راهی برای جبران آن نیست و این خود یک نمونه بی عدالتی در جامعه است.

این ایراد را موافقان اعدام چنین پاسخ داده‌اند که اشتباه قضایی تنها در صدور حکم کیفر اعدام قابل تصور نیست، بلکه در احکام مربوط به مجازاتهای سالب آزادی هم ممکن است دادگاه اشتباه نماید و زیان ناشی از زندان نیز غیرقابل جبران است؛ چرا که محکوم علیه سلامت جسمی و روحی خود را در تحمل حبس طولانی از دست خواهد داد. ولی به هر حال، مادام که این اشتباهات مهم و غیرمتعارف پیش نیاید و مجازات اعدام

۱۶. ژرژ پیکا (دبیرکل انجمن بین‌المللی جرم‌شناسی): مجله بین‌المللی حقوق جزا، ص ۴۴۴.

۱۷. ژان پنیاتل (ریاست افتخاری انجمن بین‌المللی جرم‌شناسی): مجله بین‌المللی حقوق جزا،

موقعیت داشته باشد، لزوم فایده آن برای جامعه شناخته شده و ضروری است.



موقعیت فعلی مجازات اعدام در کشورهای مختلف

تبیین وضعیت فعلی مجازات اعدام، اعم از لغویا حفظ آن، در همه کشورهای میسر نیست؛ زیرا منابع موجود اغلب مربوط به آن دسته از ممالکی است که یا توسط نمایندگان خود گزارشهای تفصیلی به کنگره‌ها و کنفرانسهای بین‌المللی ارائه نموده‌اند و یا اینکه درباره سیستم کیفری آن کشورها نشریات و تألیفاتی انتشار یافته و موجود است. معهدا از سنجش و بررسی منابع موجود می‌توان چنین نتیجه گرفت که عقاید مربوط به لغو مجازات اعدام نفوذ قابل توجهی در قوانین فعلی نداشته و در غالب سیستمهای کیفری، این مجازات همچنان باقی است و به یقین قانونگذاران مربوط اعتقادی به لغو آن ندارند. به گفته پروفیسور لئوته، استاد حقوق جزای فرانسه، تقریباً در تمامی قوانین اروپای غربی، در حقوق عمومی، در زمان صلح، مجازات اعدام را لغو کرده‌اند، ولی خارج از اروپای غربی وضعیت فرق می‌کند و برحسب درجه رشد و آداب و رسوم و سایر فروض ملی، مسأله به شیوه‌های مختلف مطرح می‌شود.^{۱۸}

معهدا در اینکه به تدریج طی دو قرن گذشته و در حال حاضر، تقلیل عمده‌ای در اعمال مجازات اعدام به وجود آمده است، تردیدی نیست. کاهش میزان اعمال این کیفر به اشکال و طرق مختلف تحقق پذیرفته

۱۸. پروفیسور لئوته: همان مأخذ، ص ۷۳۴ به بعد.

است: یا از طریق اصلاح قوانین کیفری با محدود کردن بیش از پیش اعمال مجازات اعدام در انواع جرایم، یا با توسعهٔ اختیار قضات کیفری به اینکه در جرایم بتوانند به جای مجازات اعدام، حکم به حبس درازمدت یا ابد صادر نمایند، و یا با متوقف کردن اجرای مجازات اعدام با استفاده از عفو و بخشودگی مقرر در قانون که معمولاً از اختیارات رئیس مملکت است. هر چند نفوذ عقاید مخالف با مجازات اعدام در تقلیل اعمال آن در کشورهایی که موافق با لغو کامل و بدون قید و شرط این مجازات نیستند بی تأثیر نبوده است ولی نمی‌تواند عامل منحصر در این زمینه باشد؛ زیرا مسلم است که مسائل جزایی یک جامعه رابطهٔ دقیقی با موقعیتهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، آمار، تجربیات و عوامل مختلف دیگر دارد. چون تحقیقات قاطعی دربارهٔ تأثیر لغو یا کاهش مجازات اعدام در میزان جنایات تا به امروز به دست نیامده است، لذا تأثیر این عوامل در آمار جنایات در یک کشور مشخص نیست. آنچه مسلم است از قرن هجدهم تا به امروز تصمیم بعضی قانونگذاران که مجازات اعدام را به طور مطلق لغو کرده‌اند، ثباتی نداشته است و تحت تأثیر عوامل مذکور ناگزیر به ابقای مجدد آن شده و یا بعد از سپری شدن زمانی کم و بیش طولانی به تصمیم قبلی بازگشت نموده‌اند. آمار به دست آمده بر لغو و ابقای مجدد مجازات اعدام و عکس آن در طول نزدیک به نیم قرن بعد از جنگ دوم جهانی، در تعدادی از کشورهای جهان، دلیل این بی‌ثباتی است.

بررسی اجمالی وضعیت مجازات اعدام، در تعداد قابل ملاحظه‌ای از کشورهای جهان، حسب گزارشهایی که به کنفرانس بین‌المللی سیراکیز توسط نمایندگان آن کشورها داده شده است، چگونگی موقعیت فعلی این مجازات را نشان می‌دهد.

الف. کشورهای اروپای غربی

نظریهٔ لغو مجازات اعدام، با جدیت و کوشش بسیار، توسط

تئوریسینهای این کشورها دنبال می‌شود؛ زیرا این اواخر نیز با امضای پروتکل شماره ۶ مربوط به عهدنامه «حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی» توسط شورای اروپایی، لغو این مجازات به طور رسمی به تصویب رسید و با قبول و امضای پانزده کشور عضو مقرر گردید از اول ماه مارس ۱۹۸۵ به موقع اجرا گذارده شود. این کشورها عبارتند از: اتریش، دانمارک، فرانسه، لوکزامبورگ، هلند، پرتغال، اسپانیا، سوئد، بلژیک، جمهوری فدرال آلمان، یونان، ایسلند، ایتالیا، نروژ و سوئیس.

هرچند با توجه به سوابق، بیشتر این کشورها قبل از امضای پروتکل شماره ۶ مجازات اعدام را از قوانین کیفری خود حذف و یا در عمل متوقف کرده بودند، ولی گفته شده که در حقوق بین الملل، این سند (عهدنامه) نخستین پایه گذاری در مورد لغو مجازات اعدام است که متعاهدین را ملزم به اجرای آن نموده است.^{۱۹} ماده ۲ عهدنامه مذکور چنین مقرر می‌دارد که «مجازات اعدام لغو می‌شود، هیچ کسی به چنین مجازاتی محکوم نمی‌شود و درباره فردی اجرا نمی‌گردد». مع هذا شورای اروپایی، کشورهای امضاکننده عهدنامه را در تمامی موارد به طور قطع محدود نکرده و اعمال این مجازات را در شرایط و موقعیتهای استثنایی تجویز نموده است؛ زیرا به موجب ماده ۳ عهدنامه مذکور «هر دولتی می‌تواند مجازات مرگ را در قانون کشور خود برای جرایم ارتكابی زمان جنگ یا خطر قریب الوقوع جنگ پیش‌بینی نماید». در نتیجه، این کشورها متعهد به اجرای کامل مفاد ماده ۲ در زمان صلح هستند.

دلایل تصویب عهدنامه مذکور از طرف نمایندگان عضو شورای اروپایی همانهایی است که از طرف مخالفان اعدام تاکنون ارائه شده است، ولی مسلم نیست که این مصوبه مورد تأیید کلیه کارشناسان کیفری

۱۹. گزارش معاون دبیرکل شورای اروپایی (A. Adinolfi) تحت عنوان «اولین وسیله بین المللی در مورد لغو مجازات اعدام»، مجله بین المللی حقوق جزا، شماره ۳ و ۴، سال ۱۹۸۸، ص ۳۲۱.

و یا عامه مردم این کشورها باشد، هر چند که مجالس قانونگذاری بر آن صحه گذارده باشند. «اگر هم اکنون در فرانسه رفرا ندیم به عمل بیاید ممکن است اکثر مردم با برقراری مجدد مجازات اعدام موافق باشند. بیشتر ایالات متحده آمریکا این راه را قبلاً طی کرده اند...».^{۲۰} اغلب متخصصان در امر کیفری، به رغم عقاید باطنی خود بر لغو مجازات اعدام، واکنشها و احساسها و نظریه های مختلف موجود در جامعه را به صراحت بیان نموده اند.

در این خصوص دبیرکل انجمن بین المللی جرم شناسی می گوید:

«عکس العمل افکار عمومی نسبت به مجازات اعدام بسیار پیچیده است. به وضوح چنین می نماید که مجازات اعدام از لحاظ خصوصیت به تمایلات قدیمی حس انتقامجویی که پایه و اساس اولیه مجازات است و همچنین به طرز فکر اخلاقی کفاره و پاداش عمل که در وجدان فردی ریشه دوانیده است برمی گردد.»

پرفسور لئوته، استاد حقوق کیفری دانشگاه پاریس، که در ۱۹۷۶ تحقیقاتی در این زمینه انجام داده است چنین می گوید:

«... تعداد زیادی از قضات موافق با حفظ مجازات اعدام بوده اند که آمار آن ۶۷/۷۴ موافق در مقابل ۳۲/۲۶ مخالف است. این نسبت با آماری که در تحقیقات انجام شده در ۱۹۷۷ نسبت به مجموع عقاید مردم فرانسه به دست آمده است، ارتباط دارد.»^{۲۱}

چند سال قبل از اصلاح قانون اصلاحی ۱۹۸۱ فرانسه مبنی بر لغو مجازات اعدام، موضوع به صورت پرسش از مقامات سیاسی و قضایی و پارلمانی و بعضی ارگانهای آن کشور به عمل آمده که در مجموع، علاوه بر

۲۰. S. Roses (رئیس انجمن بین المللی دفاع اجتماعی): مجله بین المللی حقوق جزا، ص ۳۴۲.
۲۱. G. Cantipa (رئیس انجمن بین المللی جرم شناسی و مدیر مؤسسه پزشکی قانونی و مرکز بین المللی جرم شناسی و درمانی دانشگاه جنوا-ایتالیا): مجله بین المللی حقوق جزا، ص ۳۵۱.

احتیاط و تردید در جوابگویی، وحدت کامل در پاسخها ملاحظه نشده است. از بین مقامات مسؤول آن کشور نخست وزیر وقت می‌گوید:

«موضوع شایسته بحث مفصلی است، اما باید به شرایطی که در آن بحث انجام می‌پذیرد توجه نمود. بحث باید در محیط سالمی انجام پذیرد. پس باید بالاترین کوششها برای تضمین امنیت فرانسوی به عمل آید و نیز خشونت به حد ادنی برسد...»

وزیر دادگستری وقت با صراحت بیشتر چنین اظهار نظر می‌کند:

«من مطمئن نیستم موقع طرح این مسأله رسیده باشد، زیرا ما در یک مرحله آکنده از خشونت و افزایش شدید اعمال جنایتکارانه قرار گرفته‌ایم که وقت مناسبی برای تصمیم‌گیری نسبت به این مسأله نیست. مردم احساس ناامنی دارند؛ پس این موقعیتی نیست که تصمیم‌گیری در خصوص چنین مسأله‌ای که محیط سالم می‌خواهد آسان باشد. هدف نجات انسانهاست، زیرا حیات انسانی واجد بالاترین ارزشهاست. ولی ریسک در این است که اگر افکار عمومی مخالف مجازات اعدام باشد به نتیجه عکس مبدل خواهد شد و مردم خودشان اجرای عدالت را به عهده خواهند گرفت، زیرا دستگاه عدالت در این امر قصور کرده است. در حال حاضر، مجازات اعدام در موارد نادری اجرا می‌شود. با این اقدام این خطر وجود دارد که انتقامجوییهای فردی به کشتار وحشیانه منجر شود.»^{۲۲}

فرانسه بعد از انقلاب آن کشور تا سال ۱۹۸۱ که مجازات اعدام بکلی از قانون مجازاتش حذف گردید، در جهت محدودیت اعمال این مجازات بوده است. قانون قبل از انقلاب بیش از صد نوع جرم را مشمول مجازات اعدام می‌دانست، در حالی که قانون ۱۷۹۱ بعد از انقلاب تعداد آن

۲۲. مصاحبه ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۷ پیرفیت وزیر دادگستری سابق فرانسه نقل از ژرژ پیکا (دبیرکل انجمن بین‌المللی جرم‌شناسی): مجله بین‌المللی حقوق جزا، ص ۴۴۷.

جرائم را به سی نوع تقلیل داد و قانون کیفری ۱۸۱۰ کماکان مجازات اعدام را حفظ نمود. قبل از جنگ دوم جهانی این مجازات فقط مشمول جرائم مهم مثل قتل عمدی شد. از سوی دیگر، از سال ۱۹۳۲ به بعد هیأت‌های منصفه نیز با استفاده از اختیارات قانونی بیش از حد، نظربه تخفیف مجازات اعدام می‌دادند. بعلاوه در موارد بی شماری عفو خاص که حق شخص اول مملکت بود محکومان به مجازات مرگ را از تحمل آن رهایی می‌بخشید تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۸۱ با الغای قانونی این مجازات، کشور فرانسه نیز در عداد کشورهای اروپای غربی لغوکننده مجازات اعدام قرار گرفت.^{۲۳}

ب. کشورهای اروپای شرقی (سوسیالیستی)

در نزدیک به تمامی حقوق جزای کشورهای سوسیالیستی مجازات مرگ به منزله یک مجازات موقتی و استثنایی تلقی شده است:

«به گفته کارل مارکس: «به طور کلی مشکل و شاید غیرممکن است که بتوان دلیل موجهی بر عدالت و انصاف و مفید بودن مجازات اعدام در یک جامعه متمدن یافت». ولنین نیز می‌گوید: «مجازات مرگ لازم نیست مگر در زمان انقلاب». بدین لحاظ، پیروان مارکسیسم-لنینیسم در مورد حفظ مجازات اعدام در قوانین به طور اصولی نظر منفی دارند، ولی آن را به طور انحصاری از وسایل ضروری در اختیار طبقات پروژمند در بعضی مراحل انقلاب می‌دانند.»^{۲۴}

در این کشورها، با وجود اختلاف احتمالی موجود از حیث توسعه

۲۳. در مورد تاریخچه مجازات اعدام در فرانسه رک. بوزا و پنیاتل: بررسی حقوق جزا و جرم‌شناسی،

ج ۲، ص ۴۳۹ و ۴۴۰.

۲۴. B. Repik (قاضی دادگاه عالی جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی): مجلة بین المللی حقوق

جزا ص ۶۴۹.

اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و آداب و رسوم حقوقی و نوع و شکل بزهکاری و غیره، اساس سیستم حقوقی مجازات اعدام بر مبنای یک طرز فکر مشترک قرار گرفته است. استثنایی بودن مجازات اعدام در این کشورها چنین مشخص می‌شود که سوای مجارستان و یوگسلاوی و آلمان دمکراتیک، در بقیه مجازات اعدام جزء لیست مجازاتهای معمولی نیست، بلکه به صراحت در قانون عنوان مجازات استثنایی دارد و شرط شده که مجازات اعدام، سوای جرایمی که در فصل قانون جزا پیش بینی شده است، نمی‌تواند اعمال گردد. در قانون جنایی مصوب سال ۱۹۲۴ اتحاد جماهیر شوروی به موقتی بودن مجازات اعدام تصریح شده است و قانون جدید این کشور مورخ ۱۹۲۶ نیز که انواع مجازاتها را ذکر نموده است، اسمی از مجازات اعدام نبرده ولی در ماده ۲۱ همان قانون جنبه موقتی بودن آن تصریح گردیده است. بدین طریق، اصولاً قوانین کشور شوروی مجازات اعدام را جزء مجازاتهای معمولی قبول ندارد و به آن جنبه استثنایی داده است. هر چند در تاریخ ۲۶ مه ۱۹۴۷ به موجب فرمان هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مجازات اعدام را در زمان صلح لغو می‌نماید، ولی طی فرمان ۱۳ ژانویه ۱۹۵۰ ناگزیر به برقراری مجدد آن درباره قسمتی از جرایم (خائنان به وطن، جاسوسان و خرابکاران) می‌گردد.^{۲۵}

در کشورهای سوسیالیستی تعیین مجازات اعدام از طرف قاضی، اختیاری است؛ یعنی در جرایمی که مجازات اعدام به آن تعلق می‌گیرد و در فصل مخصوص قانون جزا پیش بینی شده حق انتخاب بین تعیین این کیفر یا به جای آن اعمال مجازات سالب آزادی، در اختیار و به تشخیص قاضی صادرکننده حکم است و آن وقتی است که در هر مورد بخصوص قاضی به گونه ای مستدل تشخیص دهد که اعمال مجازات سالب آزادی برای رسیدن به هدف مورد نظر از این مجازات، نامناسب و بی فایده است؛ آن وقت

۲۵. دکتر شمس الدین امیرعلایی: مجازات اعدام، کتابفروشی دهخدا، ۱۳۵۷، ص ۲۴۴.

می‌تواند حکم اعدام صادر نماید. بنابراین زندان جانشین اعدام نمی‌شود بلکه به طور متوالی نخست مجازات زندان و سپس اعدام مورد بررسی دادگاه قرار می‌گیرد. مدت حبس در جرایم مشمول اعدام در این کشورها متفاوت است. برای مثال، مدت مذکور، در مجارستان و آلمان دموکراتیک حبس ابد، در لهستان و چکسلواکی و رومانی ۲۵ سال، در بلغارستان و یوگسلاوی ۲۰ سال و در روسیه شوروی ۱۵ سال می‌باشد. نوع جرم مشمول مجازات اعدام در کشورهای سوسیالیستی تقریباً مشابه است، ولی در مقایسه با قبل از انقلاب و جنگ دوم جهانی در قوانین فعلی کشورهای مذکور تقلیل زیادی یافته و به چهار طبقه تقسیم شده است: جرایم مهم علیه دولت، جرایم علیه جان (قتل عمدی)، جنایات علیه مردم (قتل و کشتار جمعی)، و جنایات جنگی و جنایات علیه صلح و آرامش. مجازات اعدام در مورد ارتکاب جرایم فوق وقتی اعمال می‌گردد که جرم در شرایط خاص توأم با کیفیات مشدده وقوع یافته باشد. در نتیجه، اگر این شرایط و موقعیتهای استثنایی که عمدهٔ جامعه را در معرض تهدید و خطر بزرگ قرار می‌دهد، وجود نداشته باشد، حکم به مجازات اعدام صادر نمی‌شود. در این قبیل محاکمات داشتن وکیل مدافع الزامی است و صدور حکم فقط اختصاص به مراجع قضایی دارد که از قضات متعدد تشکیل یافته و دادرسی نیز تابع سیستم رسیدگی مضاعف است. در کشورهای سوسیالیستی «عقیدهٔ فعلی مردم و نیز بعضی از متخصصان کیفری این است که این مجازات اعدام وسیله‌ای ضروری برای تضمین دفاع جامعه در مقابل جرایم جنایی مهم است».^{۲۶}

کشور چین نیز در قانون جزای خود، حتی قانون جدید سال ۱۹۸۰، مجازات اعدام را پیش‌بینی نموده است. به موجب قانون اخیر، مجازات اعدام صادر نمی‌شود مگر نسبت به جرایم سیاسی که بخصوص هدف آن

۲۶. b. Repik: «مجازات اعدام در قانون کشورهای سوسیالیستی اروپا»، مجلهٔ بین‌المللی حقوق جزا، ص ۶۶۶.

براندازی رژیم سوسیالیستی باشد و نیز درباره مجرمان جنایات منفور. منظور از جنایات منفور اعمالی است که آسیب مهمی به منافع کشور و مردم می‌زند.

ج. در حقوق جزای اسلامی

در حقوق جزای اسلامی، مجازات اعدام پذیرفته شده است، اما قلمرو اعمال این مجازات محدود و اجرای آن نیز به منظور جلوگیری از ایجاد هرنوع آزار و شکنجه تحت قواعد خاص تضمین گردیده است. سیستم مجازاتها در حقوق جزای اسلامی با حقوق عرفی به طور کامل تفاوت دارد. با این توضیح که در حقوق جزای اسلامی، مجازاتها به چهارنوع تقسیم شده است که فلسفه و قواعد مربوط به این چهارنوع مجازات با یکدیگر تفاوت دارد. این مجازاتها عبارت است از: حدود، قصاص، دیات، و تعزیرات. هر سیستم مجازاتی مربوط می‌شود به طبقه خاصی از جرایم: حدود مجازاتی است از حقوق الهی و منصوص در قرآن کریم. در صورت ارتکاب جرم مشمول حد و اثبات آن، قاضی مکلف به صدور حکم مجازات است. از مختصات این کیفر این است که ثابت و بدون حداقل و اکثر و غیرقابل عفو و بخشودگی است. حدود ناظر به جرایم مهمی است که خطر بزرگی برای جامعه اسلامی دارد و بعضی از آنها به لحاظ اهمیت و قباحت بیش از اندازه، کیفر اعدام دارد.

قصاص مجازاتی است که مربوط می‌شود به جنایات عمدی علیه نفس یا عضو افراد دیگر. جنایتکار باید به همان عملی که نسبت به مجنی علیه مرتکب شده است محکوم شود. این مجازات ثابت و بدون حداقل و اکثر است و برعکس حدود، در هر مرحله‌ای که باشد، قابل گذشت از طرف ولی دم یا مجنی علیه می‌باشد.

دیه کیفری است مالی که بزهکار باید آن را به مجنی علیه یا اولیای دم بپردازد. دیه دارای خصوصیت مختلط کیفری-مدنی است که جنبه

کیفری آن در پاره‌ای موارد جریمه محسوب می‌شود و از لحاظ مالی، ترمیم و تدارک ضرر و زیان مجنی علیه به حساب می‌آید. این کیفر مربوط به جرایم غیر عمدی و قابل گذشت است.

تعزیر مجازاتی است که برای بعضی اعمال قابل تنبیه و تأدیب، حسب خطراتی که برای جامعه دارد، و مشمول حدود و قصاص و دیات نمی‌شود، وسیله قانونگذار پیش‌بینی و یا توسط قاضی تعیین و اعمال می‌گردد. قاضی در تعیین جرایم تعزیری اختیارات وسیعی دارد و می‌تواند مجازات تعزیری را بین حداقل و اکثر، یا با رعایت کیفیات مخفّفه و مشدّد و تعلیق اجرای مجازات و یا سایر قواعد حقوق جزای عرفی صادر نماید.

در حقوق جزای اسلامی قلمرو اعمال مجازات اعدام محدود است به قتل‌های عمدی و تعداد معینی از جرایم حدود، که اجرای آن نیز به منظور رعایت حفظ حقوق محکوم علیه در قبال تعدّیات، تحت شرایط و قواعد خاصی تضمین شده که اهمیت آن کمتر از قواعدی نیست که امروزه در قوانین مدرن دیده می‌شود.

د. در کشورهای اسلامی عرب زبان

کشورهایی که قوانین کیفری خود را منطبق با موازین شرع مقدس اسلام نموده‌اند، مکلف به اعمال مجازات اعدام تعیین شده در قوانین شرعی هستند. در این کشورها امکان لغویا تغییر آن به مجازات دیگری، سوی آنچه منصوص است، به طور مطلق وجود ندارد.

تقریباً در تمامی کشورهای اسلامی، چه آنهایی که از حقوق جزای شرعی متابعت می‌کنند و چه آن دسته که به حقوق کیفری موضوعه عمل می‌نمایند، اعدام مهمترین مجازات را تشکیل می‌دهد که برطبق ضوابط پیش‌بینی شده اجرا می‌گردد.

قوانین کیفری فعلی کشورهای اسلامی عرب زبان در پذیرش مجازات اعدام، مبین طرز فکر متخصصان و قانونگذاران آن و عدم نفوذ

تئوریهای طرفدار لغو مجازات اعدام در این کشورهاست، ضمن اینکه تا به حال قواعد کیفری کشورهای مذکور تحت یک سیستم واحد درنیامده است: بعضی به اعمال حقوق کیفری اسلامی به طور دقیق پای بندند و برخی دیگر با تصویب قوانین کیفری به سیستم عرفی گراییده‌اند. برای توجیه بیشتر، به موقعیت مجازات اعدام در بعضی از این کشورها اشاره می‌گردد:

در قانون جزای فعلی کشور مصر، مجازات اعدام مهمترین کیفر در فهرست مجازاتهاست و در مورد جنایاتی اعمال می‌گردد که مستقیم یا غیرمستقیم به مرگ مجنی علیه منتهی شود. قوانین کیفری مصر مقتبس از قانون ۱۸۱۰ فرانسه است، و در نتیجه، قتل عمد وقتی مستوجب مجازات اعدام است که با اندیشه و تصمیم قبلی باشد. بعضی جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و ارتکاب تعدادی از جرایم پیش‌بینی شده در قانون جزای مصر نیز مجازات اعدام دارد.

صدور حکم مجازات اعدام از دادگاه‌های جنایی مصر باید به اتفاق آراء باشد، ضمن اینکه دادگاه جنایی قبل از صدور حکم مکلف است نظریه «مفتی جمهوری» را که شخصی مجتهد و از مقامات بلند پایه دولتی است، از نقطه نظر حقوق اسلامی و مشروعیت این مجازات در رابطه با کیفیات و دلایل موجود در پرونده، تحصیل نماید. ولی دادگاه هیچ گونه الزامی در قبال پذیرش یا عدم پذیرش نظریه مفتی ندارد و می‌تواند بدون اینکه موظف باشد در حکم صادره عدم پذیرش نظر مفتی را به طور مستدل توجیه کند تصمیمی حتی مغایر نظر مشاوریه اتخاذ نماید. هدف از الزام به تحصیل نظریه مفتی به هیچ وجه اجبار دادگاه جنایی در انطباق تصمیماتش با حقوق اسلامی نیست، بلکه هدف قانونگذار این بوده است که دادگاه در هر مورد مجبور باشد به حقوق اسلامی، آنچنانکه وسیله مفتی توصیه می‌شود، وقوف و آگاهی یابد؛ اما در عین حال به دادگاه اختیار داده است به مسؤولیت خود به نظریه اعلام شده از سوی مفتی عمل کند یا به طور مطلق

آن نظر را ملاک قرار ندهد.^{۲۷}

قوانین کشورهای عربی تا اواسط قرن پانزدهم به طور کامل ملهم از شریعت اسلام بوده است، اما از آن تاریخ تا پایان قرن نوزدهم حقوق جزای این کشورها به طور مختلط (موازین شرعی و حقوق موضوعه عرفی) اعمال می‌گردید. زیرا در اواسط قرن پانزدهم، دولت عثمانی اجرای مجازاتهای حدود را در قلمرو حکومت خود متوقف کرد و به جای آن سیستم حقوق کیفری فرانسه را در خصوص انواع جرایم پذیرفت و قضات را در اعمال مجازاتهای شلاق و یا جزای نقدی به عنوان تعزیر مخیر ساخت. قانون عثمانی در سال ۱۸۴۰ به طور رسمی انتشار یافت و در کشورهای نظیر سوریه، لبنان، عراق و اردن هاشمی که تابع امپراتوری عثمانی بودند قانون مذکور به مرحله اجرا گذارده شد. تنها کشور مصر که مستقل از حکومت عثمانی بود، قانون جزای مصوب سال ۱۸۵۵ خود را که از قوانین اروپایی اقتباس شده بود اعمال می‌نمود. در عین حال، مجازاتهای قصاص کماکان به اجرا درمی‌آمد و تا تاریخ تصویب قانون ۱۸۸۳ معتبر بود و بعد از این تاریخ تا به امروز قوانین الحاقی دیگری تصویب و به آن اضافه شده است.

خلاصه باید گفت که از قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم، قوانین کیفری عثمانی در مناطق متعلق و وابسته اجرا می‌شد، ولی از آن پس هریک از کشورهای عربی قانون خاصی برای خود تصویب و اجرا نمودند، به این ترتیب که عربستان سعودی و جمهوری یمن فقط مقررات کیفری شریعت اسلام را اعمال می‌کنند. بعضی از کشورهای عربی پس از تصویب قوانین موضوعه عرفی مبادرت به تدوین بخشی یا تمام جرایم مقرر در حقوق کیفری اسلام نموده‌اند. برای مثال، لیبی قانون مربوط به مجازاتهای حدود را از ۱۹۷۲ به بعد منتشر و اجرا می‌نماید و سودان در ۱۹۸۳ قوانین کیفری ملهم از موازین اسلامی را به مرحله اجرا گذارده است. سایر کشورها نیز به

۲۷. ن. حُسینی (استاد حقوق جنایی مصر)، «مجازات اعدام در حقوق مصر و حقوق اسلام»،

مجله بین‌المللی حقوق جزا، ص ۴۰۷.

تدریج طرح قسمتی یا تمام جرایم را برطبق حقوق جزای اسلامی تهیه کرده‌اند که هنوز تصویب و اجرا نشده است.^{۲۸}

در نتیجه، مجازات اعدام در قوانین کشورهای مصر، سوریه، لبنان، مراکش، سودان، کویت، لیبی، عربستان سعودی و جمهوری یمن تحت ضوابط مقرر پیش‌بینی و اعمال می‌گردد. به نظر حقوق‌دانان و متخصصان امور کیفری این کشورها تحمیل این مجازات نسبت به بزه‌کاران، در مورد بعضی از جرایم خطرناک و مهم، ضروری است. آنان قاطعانه اعلام می‌دارند که «در دنیای عرب مجازات اعدام نقشی بس مؤثر در مبارزه علیه اعمال جنایتکارانه ایفا می‌نماید».^{۲۹}

۲۸. وزیر (استاد حقوق جزای دانشگاه منصورا، مصر): مجلة بین المللی حقوق جزا، ص ۴۲۳.

۲۹. مرکز مطالعات امنیتی عربستان سعودی: مجلة بین المللی حقوق جزا، ص ۴۳۴.